

مقاله پژوهشی: شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر دستیابی ج.ا.ایران به نظم

منطقه‌ای مطلوب (غرب آسیا) در حوزه دفاعی - امنیتی

[20.1001.1.24234621.1401.12.49.2.8](https://doi.org/10.1001.1.24234621.1401.12.49.2.8)

جعفر نقدی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

چکیده

نهادینگی قواعد رفتاری، الگوها و ساختارها که بتواند رفتار بازیگران را در یک منطقه تحت تأثیر قرار دهد نظم منطقه‌ای نامیده می‌شود. هر چه میزان این نهادینگی بیشتر باشد، نظم از مطلوبیت بیشتری برخوردار است. ج.ا.ایران بازیگری است که حوزه قدرت خود را در سطح منطقه‌ای تعریف کرده و تلاش دارد در شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای مطلوب نقش فعالی داشته باشد. بنابراین شناسایی عواملی که بتواند دستیابی به این هدف را میسر سازد از اهمیت بالایی برخوردار است که در این تحقیق تلاش شد به این مهم پاسخ داده شود. این تحقیق از نوع کاربردی و رویکرد آن ترکیبی با روش توصیفی تحلیلی است. داده‌ها به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی از طریق پرسشنامه گردآوری شد و برای بررسی پایایی پرسشنامه محقق ساخته از آزمون آلفای کرونباخ در نرم‌افزار اس.پی.اس.اس بهره گرفته شده که نتایج آن معادل ۰/۹۴۲ محاسبه گردید و به دلیل بالا بودن از حد معیار (۰/۷) می‌توان پایایی پرسشنامه را تأیید کرد. همچنین یک جامعه آماری ۴۲ نفره که به صورت هدفمند انتخاب شده بودند به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند. نتایج تحقیق نشان داد این عوامل در ۳ متغیر، ۱۳ مؤلفه و ۳۵ گویه قابل شناسایی است. اما وزن‌دهی به این عوامل گام بعدی تحقیق بود که یافته‌ها حاکی از این بود که سه گویه: (۱) درون‌زا کردن قدرت دفاعی و امنیتی و استحکام‌بخشی و تثبیت آن از سوی ج.ا.ایران، (۲) تلاش برای تضعیف و یا حذف پیوندها و تعاملات منطقه‌ای رژیم صهیونیستی با بازیگران منطقه‌ای در حوزه دفاعی و امنیتی و (۳) ناتوانی آمریکا در حل معضلات دفاعی و امنیتی در منطقه؛ سه مؤلفه: (۱) خوداتکایی داخلی، (۲) حذف بازیگران مداخله‌گر و (۳) شکست سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا و سه متغیر: (۱) منطقه‌ای، (۲) داخلی و (۳) بین‌المللی به ترتیب از اهمیت و بنابراین از اولویت بیشتری برخوردار می‌یاشند.

کلیدواژه‌ها: نظم منطقه‌ای مطلوب، دفاع ملی، امنیت ملی، همگرایی منطقه‌ای، غرب آسیا.

مقدمه

به‌رغم افزایش فزاینده همگرایی منطقه‌ای در بیشتر مناطق جهان، بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که محیط امنیتی غرب آسیا دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که عملاً توسعه مفهوم همگرایی منطقه‌ای را با مشکل مواجه کرده و به‌نوعی با «همگرایی متوقف‌شده» (بلامی، ۲۳۰: ۱۳۸۶) روبه‌رو هستیم. پویایی منازعات تاریخی، تبدیل رقابت تسلیحاتی از حالت خاموش به فعال، حضور نیروهای خارجی به‌عنوان عنصر مداخله‌گر در امنیت منطقه‌ای، تداوم خشونت‌های فرامرزی، فقدان نظام امنیت دسته‌جمعی، احساس دائمی از جنگی قریب‌الوقوع، بقامحوری در امنیت، وجود معمای امنیتی دائمی، فقدان تهدید مشترک خارجی، عدم وجود اعتماد متقابل و فقدان هویت مشترک از جمله ویژگی‌های بارزی است که بر الگوی تعاملات بازیگران منطقه حکم فرماست. این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که رویارویی و تقابل به جای همکاری، بازدارندگی به جای اعتماد و اطمینان، پنهان‌کاری به جای شفافیت، یکجانبه‌گرایی به جای وابستگی متقابل، عنصر تعیین‌کننده روابط بازیگران است. (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۳: ۶۵-۵۵) اما سوال اینجاست که آیا تداوم وضعیت موجود می‌تواند امنیت پایداری را برای کشورها به ارمغان بیاورد؟ تجربه تاریخی منطقه نشان می‌دهد که اینگونه نبوده و وقوع جنگ‌ها و درگیری‌های متعدد در سال‌های اخیر به وضوح مشخص کرده که امنیت به کالایی نایاب برای بازیگران بدل شده که با هزینه‌های گزافی به‌دست می‌آید.

در این میان ج.ا.ایران به‌عنوان بازیگری امنیت‌ساز مطرح است که نظم مستقر کنونی را مخل امنیت پایدار تلقی کرده و معتقد است که حضور بازیگران مداخله‌گر فرامنطقه‌ای در کنار درک تهدیدمحور بازیگران منطقه‌ای از یکدیگر فضا را برای دستیابی به امنیت پایدار محدود کرده و راه‌حل آن تغییر در نگرش بازیگران به امنیت خود و دیگران در سطح منطقه‌ای در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و دفاعی و امنیتی است. یکی از مهم‌ترین موضوعات امنیت‌ساز برای ج.ا.ایران دستیابی به الگوی منطقه‌ای منسجم در حوزه دفاعی و امنیتی است که بتواند تهدیدات فراروی کشور را کاهش و ضریب امنیتی آن را افزایش دهد. این موضوع زمانی ابعاد جدی‌تری به خود می‌گیرد که بتوان وضعیت متحول و هرج‌ومرج‌گونه منطقه‌ای را بر آن افزود. تلاش بازیگران برای بیشینه‌سازی قدرت، افزایش تهدیدات و معمای امنیتی دائمی در منطقه در کنار مداخله مستمر قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا در ترتیبات امنیتی و دفاعی آن وجه بارز وضعیت حاکم بر آن است. ج.ا.ایران در چنین محیط‌هابیزی در تلاش است تا امنیت ملی و دفاعی خود را افزایش دهد. اما دستیابی به این امر نیازمند توجه به نسبت امنیت ملی و بالتبع دفاعی و نظام امنیت منطقه‌ای است. در این زمینه دو نوع نگرش وجود دارد: (۱) نظام امنیت منطقه‌ای جزئی از امنیت ملی؛ بنابراین شق امنیت ملی در این‌جا بسیار پررنگ بوده و نظام امنیت منطقه‌ای در حاشیه قرار

اما نکته حائز اهمیت اینجاست که دستیابی به چنین مطلوبیتی در منطقه نیازمند شناسایی و اولویت‌بندی عواملی است که شکل‌گیری چنین ترتیبات دفاعی و امنیتی را تسریع بخشند. در واقع این تحقیق تلاش دارد مولفه‌هایی را که بتواند شکل‌گیری نظم مطلوب ج.ا.ایران را امکان‌پذیر سازد مورد توجه و امعان نظر قرار دهد. البته کاربست این مولفه‌ها به‌طور همزمان امکان‌پذیر نبوده و اولویت‌بندی اجزایی آن‌ها نیز از جمله اهداف دیگر تحقیق می‌باشد. برای تسهیل در این امر، عوامل در سه سطح ملی (داخلی)، منطقه‌ای و بین‌المللی طبقه‌بندی شد که وزن هر یک از سطوح گویای نوع اثرگذاری آن بر رفتار و کنش ج.ا.ایران است. در واقع تلاش شده در کنار شناسایی و اولویت‌بندی عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری نظم منطقه‌ای مورد نظر ج.ا.ایران، میزان اهمیت هر یک از سطوح سه‌گانه نیز مورد توجه قرار گیرد. سؤال‌های اصلی تحقیق این است که عوامل اثرگذار بر دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب در غرب آسیا در حوزه دفاعی - امنیتی کدام‌اند؟ همچنین میزان اولویت هر یک از عوامل، مولفه‌ها و متغیرها تا چه میزان است؟

باتوجه به اینکه مسئله اصلی محقق، شناسایی عواملی است که در حوزه دفاعی - امنیتی بتواند به دستیابی ج.ا.ایران به نظم مطلوب منطقه‌ای کمک کند، از این حیث تحقیق جدید باشد. در واقع نظم منطقه‌ای ج.ا.ایران در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی در پژوهش‌های گوناگونی مورد توجه قرار گرفته، اما حوزه دفاعی و امنیتی به دلیل مشکل بودن دستیابی به چنین هدفی چندان از سوی محققین مورد توجه قرار نگرفته و این جنبه نوآوری تحقیق پیش‌رو می‌باشد. این تحقیق تلاش دارد حوزه دفاعی و امنیتی را مورد بررسی قرار داده و عوامل مؤثر بر آن را شناسایی کند.

مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

پیشینه تحقیق

نظر به اهمیت موضوع تحقیق و ضرورت دستیابی به نظم مطلوب منطقه‌ای پژوهش‌های و تألیفات متعددی در زمینه منطقه‌گرایی و مفاهیم متبیط با آن انجام شده که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

(۱) «امیر قدسی» (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «نظام ژئوپلیتیکی غرب آسیا و نظم مطلوب منطقه‌ای ایران» با بازخوانی الگوهای رایج امنیت منطقه‌ای و تناسب آن با شرایط و ویژگی‌های منطقه، پس از تبیین شاخص‌ها و مطلوبیت‌های ج.ا.ایران، اولویت‌های اقدام برای استقرار نظم امنیت منطقه‌ای را مشخص کرد.

یافته‌ها نشانگر آن است که مناسب‌ترین الگوی ایجاد نظم برای ج.ا.ایران بر مبنای «الگوی مشارکتی»، «تمدن و اقتصادپایگی» و با رویکرد «قدرت‌آفرینی نرم» خواهد بود. (قدس، ۱۳۹۷)

(۲) «امیرمحمد اسماعیلی و مهدی جاودانی مقدم» (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی مؤلفه‌های نظم نوین در حال شکل‌گیری در منطقه غرب آسیا در پرتو بیداری اسلامی» ظهور بیداری اسلامی در این منطقه را نویدبخش شکل‌گیری نظم نوینی تلقی کرده که با نظم مستقر تفاوت‌هایی دارد و بازیگران جدیدی در شکل‌گیری آن ایفای نقش می‌کنند. مقابله با نقش مداخله‌جویانه قدرت‌های بیگانه، افزایش اسلام‌گرایی، حل منازعات از طریق نیروهای منطقه‌ای، افزایش نقش مردم در حکومت و تأکید بر منطقه-گرایی از جمله مؤلفه‌های نظم نوین در حال شکل‌گیری در منطقه است. ج.ا.ایران نیز در این مسیر موضعی فعالانه اتخاذ کرده و کشیده تا نظم مطلوب خود را از طریق اقدامات زیر تحقق بخشد: حمایت از جنبش‌های سیاسی-اجتماعی، حذف جریان‌های سلفی و تکفیری، همکاری با قدرت‌های ضدهژمونیک، مهار نفوذ قدرت‌های بیگانه و مهار رژیم صهیونیستی. در واقع نظم منطقه‌ای مورد نظر ج.ا.ایران، نظم خودجوش و برآمده از نیروهای منطقه‌ای است که قادر است از سویی بر چالش‌های ثبات‌زدای منطقه فائق آید و از سویی دیگر نفوذ قدرت‌های مداخله‌گر غربی را در منطقه کم کند. (اسماعیلی و جاودانی مقدم، ۱۳۹۹)

(۳) «محمدرضا دهشیری و حسین شاه مرادی» (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل تعیین‌کننده در نظم امنیتی غرب آسیا بر اساس نظریه موازنه همه‌جانبه» این عوامل را در سه عرصه ساختارها، بازیگران و فرایندها مورد واکاوی قرار می‌دهد. در حوزه ساختارها بر چهار موضوع فقدان اصل نظم‌دهنده، افزایش نقش نیروهای فروملی در ساختار امنیتی منطقه‌ای، بازخیزی رقابت‌های ژئوپلیتیک بین ایران، عربستان سعودی و ترکیه و شیفت پارادایمی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در نظم امنیتی غرب آسیا تأکید دارد. در حوزه بازیگران، سه بازیگر اصلی فروملی، ملی و فرامنطقه‌ای را مورد شناسایی قرار می‌دهد. همچنین در حوزه فرایندهای اثرگذار بر نظم منطقه‌ای چهار عامل اختلافات هویتی، فقر و نابرابری، بحران آب و اسلام‌گرایی را معرفی می‌کند. با توجه به این سه حوزه، نویسندگان به این نتیجه می‌رسند که به دلیل عدم قطعیت و پیش‌بینی ناپذیری پویای منطقه‌ای، ترسیم آینده نظم و امنیت منطقه‌ای دشوار است. و تنها راه خروج از این وضعیت، حمایت از ابتکاراتی چون ایجاد امنیت منطقه‌ای شبکه‌ای و منطقه قوی است. (دهشیری و شاه مرادی، ۱۳۹۹)

تعریف مفاهیم و متغیرها

(۱) **نظم:** نهادینگی قواعد رفتاری، الگوها و ساختارها که بتواند رفتار بازیگران را تحت تأثیر قرار دهد. این نهادینگی می‌تواند در دو حوزه ساختار و رفتار کنش بازیگران را متأثر سازد. در حوزه ساختار به واسطه قطب‌بندی قدرت و ظرفیت‌های مادی، الگوی روابط بازیگران مشخص می‌شود. در حوزه رفتار نیز

به‌واسطه جهت‌گیری و نقش بازیگران می‌تواند نظم منطقه‌ای را شکل دهد. جهت‌گیری بازیگران از سه بعد فعالانه/ منفعلانه، یکجانبه/ چندجانبه و تجدیدنظرطلبانه/ حفظ وضع موجود قابل شناسایی است. نقش بازیگران نیز در سه حالت کلی امپراطوری، رهبری و هژمونیک (استیلاجویانه) قابل تفکیک است (frazier&stewart-ingersoll, 2010:733).

(۲) نظم مطلوب منطقه‌ای: شکل دادن به شرایط سیاسی، امنیتی و نظامی بر اساس منافع و مصالح راهبردی به گونه‌ای که هریک از بازیگران، نقش‌های آن‌ها، اتحادها و دوستی‌ها و دشمنی‌ها مشخص بوده و همه در چارچوب قواعدی تعریف شده هم منافع خود را دنبال می‌کنند و هم منافع دیگر بازیگران به رسمیت شناخته و محترم شمرده می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۶:۵).

(۳) دفاع ملی: دفاع ملی یکی از ارکان اصلی امنیت ملی و یک مؤلفه حیاتی تداوم حیات سیاسی یک کشور و نظام سیاسی آن است زیرا شرایط پایه‌ای و بنیادین آن مانند حاکمیت ملی، تمامیت سرزمینی، کامیابی اقتصادی و استقلال ملی را تضمین می‌کند. همچنین کارآمدی یک سیستم نظامی در تعقیب و تحقق اهداف دفاعی و نظامی ملی تا حد زیادی به شیوه جهت‌دهی و هدایت آن توسط نظام سیاسی بستگی دارد و راهبرد دفاع ملی، ابزار دولت یا حکومت برای انجام چنین عملی است (صدوقی، ۱۳۸۲:۳۲).

(۴) امنیت ملی: رابرت ماندال امنیت ملی را شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی می‌داند که اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی، و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. وی چهار وجه امنیت یعنی امنیت نظامی، امنیت اقتصادی، امنیت منابع/زیست محیطی، و امنیت سیاسی/فرهنگی، را مطرح می‌کند (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۲:۱۱).

(۵) غرب آسیا: غرب آسیا منطقه‌ای است شامل سرزمین‌های میان دریای مدیترانه و خلیج فارس. این منطقه در جنوب خاوری اروپا، جنوب باختری آسیا و شمال آفریقا قرار دارد. این ناحیه گروه‌های فرهنگی و نژادی گوناگونی از قبیل فرهنگ‌های ایرانی، عربی، بربرها، ترکی، کردی، یهودی و آسوری را در خود جای داده‌است. غرب آسیا تنها یک تعبیر ساده جغرافیایی نیست و با گذشت زمان به محتوای سیاسی و راهبردی این منطقه روز به روز افزوده شده‌است. این منطقه مهد تمدن‌های بزرگ و مرکز و خاستگاه سه دین بزرگ یهودیت، مسیحیت و اسلام است. ایران، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، عمان، عراق، بحرین، یمن، فلسطین اشغالی، اردن، سوریه، لبنان، کویت و مصر کشورهای غرب آسیا هستند. مقام معظم رهبری نیز به کرات از این واژه به جای «خاورمیانه» استفاده کرده‌اند: «لبنه من

اصرار دارم این منطقه را «غرب آسیا» بگویم، نه خاورمیانه. تعبیر خاور دور، خاور نزدیک، خاورمیانه درست نیست. دور از کجا؟ از اروپا. نزدیک به کجا؟ به اروپا. یعنی مرکز دنیا اروپاست؛ هر جایی که از اروپا دورتر است، اسمش خاور دور است؛ هر جا نزدیک‌تر است، خاور نزدیک است؛ هر جا وسط است، خاورمیانه است! این تعریفی است که خود اروپایی‌ها کردند؛ نه، ما این را قبول نداریم. آسیا یک قاره‌ای است؛ شرقی دارد، غربی دارد، وسطی دارد؛ ما در غرب آسیا قرار داریم. بنابراین منطقه ما اسمش منطقه غرب آسیاست، نه منطقه خاورمیانه»^۱

(۶) همگرایی: همگرایی فرایندی است که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا ترغیب می‌شوند تا وفاداری و فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدید معطوف سازند. در این فرایند رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش اختیارات قانونی داشته سوق دهند. در واقع باید اذعان داشت که انگیزه‌های اصلی دولت‌ها برای چنین همکاری‌های نزدیک، دستیابی آن‌ها به منافع و امکاناتی است که قبل از ورود به فرایند همگرایی دستیابی به آن برایشان غیرممکن بود (کریمی‌پور و همکاران، ۳۰۸:۱۳۹۸)

رویکردهای نظری مختلف به نظم منطقه‌ای

نظریات و دیدگاه‌های گوناگونی در مورد نظم منطقه‌ای وجود دارد که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

(۱) الگوی مدیریت امنیتی: در این الگو بر مدیریت روابط و منازعات منطقه‌ای توسط دولت‌ها تأکید می‌شود. نظم‌های زیر در این الگو قابل تصور است:

- نظم استیلاجویانه: برپایه این نظم دولت برتر تمامی موضوعات مرتبط با نظم منطقه‌ای را اداره و مدیریت می‌کند.

- نظم موازنه‌ای: قدرت‌های منطقه‌ای و مداخله‌گر جهت مدیریت امنیت قدرت یکدیگر را متوازن و متعادل می‌سازند.

- نظم کنسرتی: دویا چند قدرت برای مدیریت منطقه‌ای توافق می‌کنند با یکدیگر همکاری و هماهنگی داشته باشند.

- نظم دسته‌جمعی: قدرت‌های منطقه‌ای و دولت‌های متوسط و کوچک نیز در مدیریت منطقه‌ای مشارکت می‌کنند.

^۱. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۲۲

- نظم جامعه امنیتی تکرگرا: دولت‌های منطقه‌ای فرایند همگرایی را شروع کرده و منازعه و جنگی میان آن‌ها رخ نمی‌دهد. (اسدی، ۱۳۹۷: ۳۱)

(۲) الگوی ساختاری امنیتی: این دیدگاه مبتنی بر نظریه واقع‌گرایی ساختاری والتز مبتنی است و اشاره به این وضعیت دارد که نظم منطقه‌ای برپایه الگوی توزیع قدرت میان قدرت‌های هر منطقه تعریف و تبیین می‌شود. لذا نوع و تعداد قطب‌بندی منطقه‌ای می‌تواند معیار مناسبی برای نظم منطقه‌ای موردنظر باشد. چهار نوع نظم منطقه‌ای در این الگو متصور است که عبارتند از:

- نظم تک‌قطبی: تنها یک قدرت بزرگ به عنوان ابرقدرت وجود دارد و بقیه دولت‌ها در حد قدرت‌های متوسط و کوچک هستند.

- نظم دوقطبی: دو قدرت بزرگ به‌عنوان ابرقدرت وجود دارد که همدیگر را موازنه می‌کنند و بقیه دولت‌های متوسط و کوچک نقش چندانی در الگوی روابط میان آن‌ها ندارند.

- نظم چندقطبی: بیش از دو قدرت به‌عنوان قدرت‌های بزرگ و حتی متوسط به موازنه میان هم می‌پردازند.

- نظم فاقدساختار: هیچ نوع قدرت منطقه‌ای وجود نداشته و روبرو و شرایط منطقه با نوعی سیالیت و فقدان ساختار روبه‌روست. (Garzon, 2014: 29)

(۳) الگوی مجموعه امنیتی: این الگو از سوی نویسندگان مکتب کپنهاگ از جمله «باری بوزان» و «اولی ویور» مطرح شده و با عنوان مجموعه امنیتی منطقه‌ای در حوزه مطالعات امنیتی جایگاه ویژه‌ای دارد. ساختار اصلی هر مجموعه امنیتی سه مولفه کلیدی دارد که عبارتند از: آرایش واحدها و تفاوت آن‌ها، الگوهای دوستی و دشمنی و توزیع قدرت میان واحدهای اصلی. در این الگو انواع نظم منطقه‌ای عبارتند از:

- نظم مبتنی بر منازعه: به‌هم وابستگی در این نظم زاده ترس، رقابت و حس مشترک تهدید است.

- نظم مبتنی بر رژیم: به‌رغم کاسته شدن حس تهدید و ترس، هنوز دولت‌ها همدیگر را به چشم تهدیدهای بالقوه نگریسته، اما برای کاستن از شدت بن‌بست امنیتی در میان خود ترتیبات امنیتی اطمینان بخشی شکل داده‌اند.

- نظم مبتنی بر جامعه امنیتی کثرت‌گرا: در این نظم دولت‌ها در مناسبات فی‌مابین، انتظار کاربرد زور نداشته و یا مهبای توسل به زور نمی‌شوند. درواقع دولت‌ها اختلافات خود را به روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل می‌کنند. (Buzan, 2003)

(۴) الگوی چرخه‌ای امنیتی: در این الگو به دلیل اینکه کشورها درون یک چرخه‌ای از حیات هستند، هر کدام از جایگاه مشخصی برخوردارند. و با توجه به پویایی، قدرت جابه‌جایی آن‌ها را می‌توان مشاهده نمود و این جابه‌جایی نقش اساسی در الگوهای رفتاری کشورها و نوع آن‌ها خواهند داشت. انواع گوناگونی از نظم‌های منطقه‌ای را می‌توان در این الگو تشخیص داد:

- نظم هژمونیک: این نظم با تمرکز شدید قدرت، هم‌نواپی سایر قدرت‌ها با هژمون و بسته بودن آن شناخته می‌شود.

- نظم مهارکننده: در این نظم، هژمون از طریق چالش‌گران جدید که به شکل‌گیری رقابت راهبردی می‌انجامد تضعیف و به عبارتی مهار می‌شود.

- نظم کنسرتی: قدرت‌های بزرگ از طریق شکل دادن به کنسرت نظی را که مبتنی بر اجماع آن‌هاست ایجاد کرده که تلاش دارد وضع موجود را حفظ کند.

- نظم موازنه‌ای: این نظم از طریق چند قطب قدرت شکل گرفته که تلاش دارند از طریق موازنه‌گری قدرت، نظم منطقه‌ای را حفظ کنند.

- نظم بی‌ساختار: برخلاف نظم‌های دیگر که شاهد نوعی همراهی قدرت‌ها با یکدیگر از طریق موازنه‌گرایی یا کنسرت هستیم، افزایش تضاد و تخاصم قدرت‌های بزرگ با یکدیگر ویژگی اصلی این نوع نظم است. (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۱)

بنابراین سامانه نظم منطقه‌ای برمبنای الگوی چرخه‌ای در قالب پنج نوع زیر قابل مشاهده است:

نظم هژمونیک ← نظم مهارکننده ← نظم کنسرتی ← نظم موازنه‌ای ← نظم بی‌ساختار

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به اینکه پژوهش حاضر در پی شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب در حوزه دفاعی - امنیتی است، لذا از نوع کاربردی و رویکرد آن ترکیبی با روش توصیفی تحلیلی است. داده‌ها به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. در روش میدانی ضمن تشکیل جلسات خبرگی و اخذ نظرات متخصصین و همچنین برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی در ارتباط با موضوع تحقیق، با طرح سؤال‌های بسته، نظر متخصصین امر در خصوص سؤال اصلی تحقیق از طریق پرسشنامه گردآوری و سپس با محاسبه میانگین، سطح معناداری (Sig) ۹۵٪ و آماره آزمون t از طریق نرم‌افزار اس.پی.اس.اس، موارد مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. در تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا و توزیع دومرحله‌ای پرسشنامه بین صاحب‌نظران و برای تعیین پایایی آزمون از روش آلفای

کروناخ استفاده شده که معادل ۰/۹۴۲ به دست آمده است. این تحقیق دارای نتایج اکتشافی و فاقد متغیر مستقل و وابسته می‌باشد. نتایج آزمون آلفای کروناخ در جدول ذیل (جدول شماره ۱) ارائه می‌گردد:

جدول شماره (۱): نتایج آزمون آلفای کروناخ

مفهوم	آلفای کروناخ	ابعاد	آلفای کروناخ
عوامل موثر در دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب در غرب آسیا در حوزه دفاعی - امنیتی	۰/۹۴۲	داخلی (ملی)	۰/۹۴۲
	۰/۹۲۱	منطقه‌ای	
	۰/۹۴۶	بین‌المللی	

جامعه آماری شامل مسئولین و مدیران ارشد لشکری و کشوری می‌باشد که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری، حداقل ۱۰ سال سابقه کار در محل‌های راهبردی هستند و با نظریه‌های قدرت و امنیت منطقه‌ای به‌ویژه نظریه‌های منطقه‌گرایی، دفاع ملی، امنیت ملی و نظم منطقه‌ای آشنایی کامل دارند و به‌صورت هدفمند تعداد ۴۲ نفر تعیین شده‌اند. دلیل توجیه‌گزینش این گروه به‌عنوان جامعه آماری، به این دلیل است که به جهت موقعیت شغلی (سابقه، تجربه و محل خدمت) از ویژگی‌های لازم برخوردار هستند. بنابراین حجم نمونه تمام شمار و منطبق با جامعه آماری موردنظر قرار گرفته است. وضعیت تحصیلی و خدمتی جامعه نمونه به شرح جداول زیر است.

جدول شماره (۲): وضعیت تحصیلی جامعه نمونه

مدرک تحصیلی	تعداد فراوانی	درصد فراوانی
دکتری	۳۱	٪۷۴
کارشناسی ارشد	۱۱	٪۲۶
کل	۴۲	٪۱۰۰

جدول شماره (۳): وضعیت خدمتی جامعه نمونه

سن خدمتی	تعداد فراوانی	درصد فراوانی
۳۶ به بالا	۱۹	٪۴۵
۳۱-۳۵	۱۱	٪۲۶
۲۵-۳۰	۱۲	٪۲۹
کل	۴۲	٪۱۰۰

همچنین برای اولویت‌بندی عوامل احصاشده از روش تاپسیس فازی بهره گرفته شد که ۲۰ نفر نسبت به اولویت‌بندی اقدام نموده‌اند.

یافته‌های تحقیق

گونه‌شناسی غرب آسیا از منظر نظم منطقه‌ای

برای شناخت منطقه غرب آسیا و ویژگی‌های آن نیازمند تقسیم‌بندی مناطق هستیم. به‌طور کلی شاخص‌های منطقه شدن یک منطقه به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. شاخص‌های حداقلی که بیشتر جغرافیایی است؛

۲. شاخص‌های میانی که بیشتر بر منافع تأکید دارد؛

۳. شاخص‌های حداکثری که بر هویت و ارزش‌های مشترک متمرکز است.

با توجه به شاخص‌های مزبور مناطق را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف. مناطق محکم: از ترکیب شاخص‌های مبتنی بر منافع و هویت شکل گرفته و به دو گروه تقسیم می‌شود:

۱. رشدیابنده: این مناطق همواره در حال تقویت بوده و الگوهای متفاوت هویتی از آن استخراج می‌شود؛ غایت این مناطق به سمت اجتماع امنیتی است؛

۲. کاهنده: این مناطق در حال مصرف الگوهای موجود بوده و تمایلی به تقویت و زایش الگویی در آن مشاهده نمی‌شود. غایت این مناطق به سمت نهادگرایی امنیتی است؛

ب. مناطق ضعیف: این مناطق تک شاخصی بوده و بر مولفه جغرافیا تأکید داشته و موضوع منافع و هویت در آن بسیار کم‌رنگ است. این مناطق نیز به دو صورت نمود پیدا می‌کند:

۱. سست: شاخص جغرافیا در این مناطق پررنگ و بر میزان اندکی از هویت و منافع تأکید دارند. غایت این مناطق به سمت موازنه قوا است.

۲. در حال زوال: فقط با تک شاخص جغرافیا شناخته شده و هویت و منافع هیچ‌گونه جایگاهی در این مناطق ندارند. غایت این مناطق به سمت الگوی هژمونی‌گرایی است (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۴: ۲۱-۲۰).

باتوجه به این تقسیم‌بندی در تحلیل وضعیت غرب آسیا می‌توان گفت این منطقه در بهترین حالت جزء مناطق ضعیف سست می‌باشد. وجود چالش‌ها و تهدیدات متنوع پیرامون بازیگران منطقه‌ای نیز به دلیل همین سست‌پیوند بودن آن است. بنابراین با نزدیک‌کردن دیدگاه‌ها و ارزش‌های بازیگران منطقه‌ای می‌توان از میزان چالش‌های منطقه‌ای نیز کاست.

ویژگی‌های نظم موجود غرب آسیا

(۱) تفوق الگوی هژمونیک‌گرایی: نظم موجود نظامی تبعی است که بر اساس آن آمریکا هژمون مداخله‌گر در مرکز قدرت، بخش‌های حیاتی منطقه را از طریق کشورهای محور هماهنگ کرده و به‌دنبال

شکل دادن به نظمی است که بتواند با ارائه کالای عمومی برای دولت‌های دیگر الگوی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود را در سطح جهانی و حتی منطقه‌ای ارائه کند. ج.ا.ایران به‌عنوان بازیگر ضدژمون دارای سه الگوی روابط با بازیگران منطقه‌ای است:

- الگوی تعارضی و تقابلی با رژیم صهیونیستی؛

- الگوی همکاری با کشورهای عراق، سوریه، لبنان و فلسطین؛

- الگوی رقابت راهبردی با قدرت‌های منطقه‌ای از جمله عربستان و ترکیه.

(۲) احتمال فروپاشی یا تغییرات بنیادین در نظم موجود: ملاحظه نشانه‌های نظم موجود (یا به عبارتی شرایط کنونی) نشان می‌دهد که نمی‌توان از فروپاشی کامل نظم منطقه‌ای سخن به میان آورد. هر چند بسیاری از مؤلفه‌های آن دچار تغییراتی گردیده که از جمله آنها می‌توان به برهم خوردن الگوی روابط قدرت‌ها، فروپاشی مرزها، جابه‌جایی در هویت بازیگران اصلی منطقه‌ای و پیدایش و ایفای نقش بازیگران فروملی اشاره کرد.

(۳) افزایش روندها و رویدادهای متحول‌کننده نظم موجود: در کنار تغییر در الگوها می‌توان روندها و رویدادهایی را برشمرد که در شتاب تحولات مؤثر بودند؛ برخی از آنها عبارتند از: حوادث بیداری اسلامی یا بهار عربی، جهانی شدن شبکه‌های اجتماعی و آثار متعدد آن بر جریان‌سازی و تحولات، شبکه‌های جهانی شده عضوگیری سازمان‌های تروریستی فرامرزی از جمله القاعده و داعش و تشدید بحران‌ها و منازعه‌های قومیتی.

(۴) تحول در نقش و جایگاه بازیگران: بازیگران منطقه نیز در زمره نظم منطقه‌ای و تحولات رخ داده در آن می‌باشند. این بازیگران عبارتند از:

(الف) بازیگران سنتی: این بازیگران خود شامل دو گروه هستند:

- بازیگران منطقه‌ای: این بازیگران بعد از فروپاشی نظام دوقطبی فضای بیشتری برای بازیگری پیدا کرده‌اند. از یکسو آمادگی و استعداد ورود به ساخت نظم منطقه‌ای را نداشته، اما از سوی دیگر چنان اهمیتی دارند که نظم منطقه‌ای بدون آنها شکل نخواهد گرفت؛ همچنین این بازیگران به شدت از بازیگران جهانی در برخی موارد ناراضی هستند.

- بازیگران فرامنطقه‌ای: نقش و جایگاه دو بازیگر سنتی فرامنطقه‌ای (آمریکا و روسیه) در شرایط کنونی متحول گردیده است. آمریکا از طریق سیاست ثقل‌زدایی در تلاش است تا بخشی از تمرکز خود را از منطقه غرب آسیا به سمت آسیا - پاسیفیک هدایت کند. روسیه نیز بعد از حضور نظامی در سوریه تلاش دارد نقش پررنگ‌تری در منطقه ایفا نماید.

(ب) بازیگران نوپدید: این بازیگران سه گروه را تشکیل می‌دهند

- چین: حضور چین در منطقه از چند جهت قابل تحلیل است: اولاً این حضور می‌تواند منافع اقتصادی بلندمدتی را برای این کشور به ارمغان داشته باشد؛ ثانیاً، حضور چین می‌تواند نفوذ آمریکا در منطقه شرق آسیا را تعدیل کرده و از تمرکز این کشور در خارج نزدیک چین جلوگیری نماید؛ ثالثاً، پیوند دادن مسیر راهبردی جاده ابریشم جدید به اروپا که می‌تواند منافع متعددی را برای چین ایجاد کند.

- دولت‌های کوچک منطقه‌ای: دولت‌های کوچک منطقه از جمله قطر، فلسطین و حتی اقلیم کردستان در زمره بازیگران نوینی هستند که در دهه‌های قبلی چندان در معادلات منطقه‌ای نقش آفرین نبودند، اما امروزه بسیار اهمیت پیدا کرده‌اند.

- بازیگران جدید فراملی: ظهور بازیگران فراملی از جمله داعش در منطقه که در چارچوب قواعد بازیگران ملی (دولت‌ها) ایفای نقش نکرده، از دیگر ویژگی‌های شرایط نوین می‌باشد. این بازیگران به‌شدت هنجارها و ارزش‌های دولت‌محور منطقه را به‌چالش کشیده‌اند. در واقع، این بازیگران هم‌نظام سیاسی خاص خود را شکل داده و ورای چارچوب‌های شناخته شده حقوقی و بین‌المللی، هنجارهای ویژه‌ای را مطرح می‌کنند.

(۵) ظهور نظام‌های غیردولتی در کنار دولتی: در شرایط کنونی منطقه، نظام دولتی در جنگ و صلح رخنه برداشته و دولت‌ها بازیگران منحصر به فرد نیستند. زایش موجود در منطقه غرب آسیا ناشی از ظهور همین بازیگران فراملی و فراملی است که در تلاش برای نقش‌آفرینی در کنار بازیگران دولتی هستند.

(۶) افزایش آثار دفاعی - امنیتی بازیگران غیردولتی: در گذشته اثرگذاری بازیگران غیردولتی در عرصه اقتصادی و اجتماعی بود، اما امروزه این اثرگذاری به عرصه‌های مهم‌تر (سیاست‌اعلی) از جمله نظامی و امنیتی نیز تسری پیدا کرده است.

(۷) نوسان در اتحادها و ائتلاف‌ها و غیرقابل پیش‌بینی بودن آنها: وضعیت به‌گونه‌ای است که هیچ بازیگری توانایی پیش‌بینی رویدادها را نداشته و حوادث تحت مهندسی هیچ بازیگری نیست. حتی آمریکا که خود مبتکر طرح «خاورمیانه بزرگ» می‌باشد، توانایی پیش‌بینی رخدادهای امنیتی کنونی را نداشته است. همین غافلگیری راهبردی باعث نوسان در اتحادها و ائتلاف‌ها گردیده است. به عبارت بهتر دولت‌ها به‌جای اتحادهای دائمی و بلندمدت درصدد شکل‌دادن به «ائتلاف‌های موقت» هستند.

(۸) همپوشانی در عین تعارض منافع میان بازیگران: هر کشوری دارای یکسری هم‌پوشانی منافع با بازیگران و همچنین رقابت و اصطکاک می‌باشد. برای مثال، در حالی که ج.ا.ایران با ترکیه در بسیاری

مسائل منطقه دارای اختلاف است، اما در ضرورت حفظ یکپارچگی سوریه و عراق و مقابله با جریانات تجزیه‌طلب‌گردد، اتفاق نظر دارد.

(۹) **اصالت با جنگ:** برخلاف مناطقی چون جنوب شرق آسیا و اروپا که همکاری بر منازعه و جنگ تقدم دارد، در منطقه غرب آسیا به دلیل حاکم‌بودن منطق سیاست قدرت همچنان منازعه و جنگ به عنوان اصل حاکم بر روابط بازیگران بوده و همکاری به عنوان یک استثنا تلقی می‌شود.

(۱۰) **تحول در ماهیت جنگ:** ماهیت جنگ در منطقه نیز دچار تحول شده است. امروزه کشورگشایی و حمله نظامی مستقیم جای خود را به جنگ‌های نیابتی و نفوذ از درون داده و ابعاد آن از حالت نظامی صرف خارج و ابعاد اقتصادی و فرهنگی به خود گرفته است.

(۱۱) **معمای امنیتی دائمی و شدید:** به دلیل اصل بودن منازعه و جنگ در منطقه، رفتار بازیگران (ولو به صورت تدافعی) از سوی رقبا تهاجمی تلقی شده و آن‌ها را به عمل متقابل و افزایش توان دفاعی و نظامی سوق می‌دهد که نتیجه آن تداوم رقابت تسلیحاتی و وضعیت معمای امنیتی شدید در منطقه است.

(نقدی، ۱۳۹۷)



شکل شماره (۱): ویژگی‌های نظم فعلی غرب آسیا (نقدی، ۱۳۹۷)

مطلوبیت‌های ج.ا.ایران در نظم منطقه‌ای غرب آسیا

به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی نقطه آغاز شکل‌گیری نظامی در جهان شد که توانست فارغ از نفوذ ابرقدرت‌ها نقش‌آفرینی کند. انقلاب اسلامی نگرشی نو نسبت به موضوعات و ترتیبات دفاعی نظامی منطقه‌ای داشت. هسته مرکزی این نوع نگرش بر کاهش و یا حذف نقش‌آفرینی آمریکا و رژیم صهیونیستی از معادلات قدرت منطقه‌ای استوار بوده که می‌تواند با استفاده از ظرفیت بازیگران منطقه‌ای و

همکاری و مشارکت آنها در بومی‌سازی مؤلفه‌های امنیتی منطقه‌ای، ثبات در منطقه را به حد بهینه برساند. در زیر مؤلفه‌های شکل‌دهنده مطلوبیت ج.ا.ایران در نظم منطقه‌ای اشاره می‌شود:

(۱) **کاهش نفوذ آمریکا و قدرت‌های غربی:** ج.ا.ایران مخالف هر نوع نظم هژمونیک متکی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای است؛ به ویژه آمریکا که تعارضات ساختاری و ایدئولوژیک با آن دارد. کاهش پیوند بازیگران منطقه‌ای با آمریکا و دیگر قدرت‌های غربی و تلاش برای امنیت‌سازی بومی و خوداتکا از جمله مطلوبیت‌های ج.ا.ایران است.

(۲) **تضعیف رژیم صهیونیستی:** ج.ا.ایران به شدت مخالف شکل‌گیری پیوند ارگانیک رژیم صهیونیستی با منطقه بوده و تلاش دارد تعاملات منطقه‌ای این کشور با بازیگران دیگر حذف گردد. درکنار تضعیف می‌توان از واژه نابودی نیز به عنوان مطلوبیت نهایی ج.ا.ایران نام برد.

(۳) **تشکیل یک واحد سیاسی شناخته شده فلسطین:** تشکیل دولت مستقل فلسطین که بتواند خواسته‌های تمامی افراد و گروه‌های فلسطینی از جمله حماس را برآورده کند از دیگر مطلوبیت‌های ج.ا.ایران است. راهبرد ج.ا.ایران برای دستیابی به این مهم تداوم انتفاضه است که می‌تواند به آزادی قدس شریف و تمامی اراضی اشغالی بینجامد.

(۴) **اعتدال در حرکت‌های مذهبی شیعه و سنی:** ج.ا.ایران به شدت مخالف شکل‌گیری دولتی شبه-امپراطوری و فراملی همچون داعش یا القاعده در منطقه می‌باشد. ج.ا.ایران از تمامی جریانات اعتدالی سنی و شیعه در منطقه که به دنبال زیست مسالمت‌آمیز کناریکدیگر بوده و تسامح و تساهل مذهبی را رعایت کرده و سیاست حذف دیگری را در پیش نگیرند حمایت می‌کند. بنابراین حذف جنبش‌های افراطی سنی از جمله داعش و حرکت در مسیر اعتدال و میانه‌روی مذهبی از مهم‌ترین مطلوبیت‌های ج.ا.ایران است.

(۵) **افزایش ثبات منطقه‌ای:** کاهش جنگ‌های داخلی و همچنین نیابتی در منطقه درکنار کاهش نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها از یکدیگر که بتواند زمینه‌های شکل‌گیری ثبات منطقه‌ای را فراهم آورد از دیگر مطلوبیت‌های ج.ا.ایران است. ج.ا.ایران به دنبال راه‌حل‌های سیاسی و دیپلماتیک برای پایان دادن به منازعات منطقه‌ای است و این موضوع نشان از نیت و اراده لازم ج.ا.ایران در این زمینه دارد.

(۶) **حفظ اقتدار مرکزی دولت‌ها:** ج.ا.ایران مخالف تجزیه دولت‌ها در منطقه و به شدت خواهان جلوگیری از وقوع آن است. همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق برای استقلال از جمله موضوعات نگران‌کننده برای ج.ا.ایران است. حتی یکی از انگیزه‌های حضور ج.ا.ایران در عراق و سوریه در کنار عوامل دیگر این موضوع می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت ج.ا.ایران خواهان حفظ اقتدار دولت مرکزی در همه کشورها و به صورت فوری در عراق و سوریه است. درواقع، ج.ا.ایران به هیچ عنوان خواهان نقض حاکمیت دولت‌ها و

شکسته شدن مرزهای آن‌ها نمی‌باشد، بلکه همواره بر حفظ استقلال آن‌ها تأکید دارد. منافع ج.ا.ایران در حفظ اقتدار مرکزی دولت‌ها تأمین می‌شود.

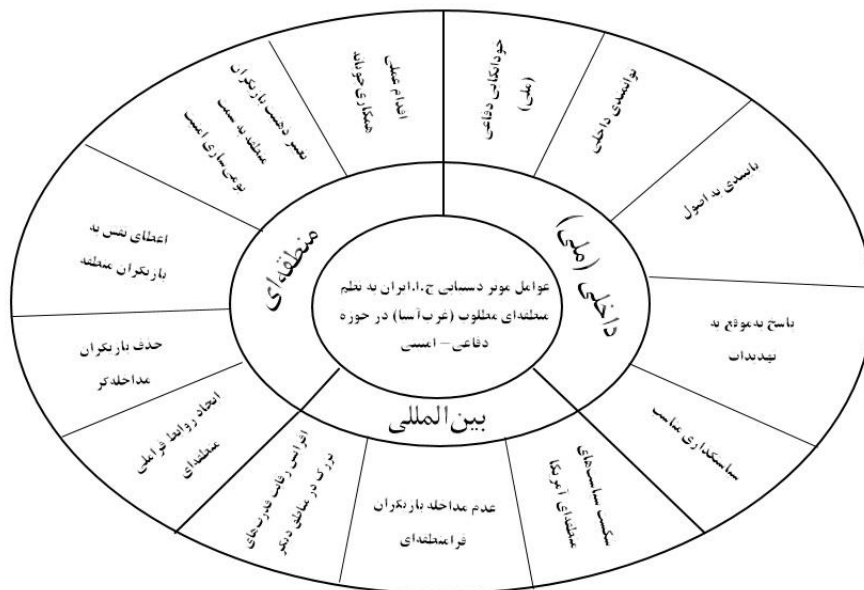
(۷) برقراری توازن تعریف شده میان قدرتهای منطقه‌ای: ج.ا.ایران تلاش دارد توازن در منافع و قدرت میان بازیگران اثرگذار در منطقه شکل دهد و هیچ‌گاه سیاست حذف رقیب را در پیش نمی‌گیرد. این موضوع در مورد ترکیه و عربستان سعودی به عنوان دو رقیب منطقه‌ای صدق می‌کند. البته ج.ا.ایران دست‌یابی به این توازن را از طریق الگوهای همکاری‌جویانه میسر می‌داند نه الگوهای تعارض. (قاسمی، ۱۷-۱۳۹۶:۲۰)



شکل شماره (۲): مطلوبیت‌های ج.ا.ایران در نظم منطقه‌ای غرب آسیا (قاسمی، ۱۳۹۶)

الگوی مفهومی تحقیق

با بررسی ادبیات و مفاهیم و رویکردهای مختلف مرتبط با موضوع تحقیق و مطالعات اکتشافی انجام گرفته در قلمرو موضوعی تحقیق، الگوی مفهومی تحقیق به شرح جدول زیر ارائه می‌شود:



شکل شماره (۳): الگوی مفهومی تحقیق

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

به منظور شناسایی عوامل مؤثر در دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب در غرب آسیا در حوزه دفاعی - امنیتی، پرسشنامه محقق ساخته توسط جامعه آماری ۴۲ نفره تکمیل و با بهره‌گیری از آزمون‌های نرم‌افزار آماری اس.پی.اس.اس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که نتایج آن در جدول شماره (۴) ارائه می‌گردد. بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار، عوامل در صورتی مورد تأیید قرار می‌گیرند که میانگین آن‌ها بالاتر از ۳، سطح معنی‌داری کوچکتر از ۰/۰۵ و آماره t بزرگتر از ۱/۹۶+ و یا کوچکتر از ۱/۹۶- باشد.

جدول شماره (۴): یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن‌ها

ردیف	متغیر	مؤلفه	گویه	میانگین	t	معنی داری	وضعیت
۱	داخلی (ملی)	خوداتکایی دفاعی	درون‌زا کردن قدرت دفاعی و امنیتی و استحکام‌بخشی و تثبیت آن از سوی ج.ا.ایران	۴/۱۱۱۷	۱۶/۱۵	۰/۰۰۰	+
۲			اولویت‌دهی به عامل خودبندید بودن قدرت دفاعی و امنیتی ج.ا.ایران و عدم اتکای آن به قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی	۴/۲۵۱۶	۱۴/۱۰	۰/۰۰۰	+
۳		توانمندی داخلی	استفاده ج.ا.ایران از مؤلفه ژئواکونومیک و اقتصادی به عنوان نقطه عزیمت برای نیل به همکاری در حوزه‌های دفاعی و امنیتی	۴/۳۴۳۳	۱۹/۱۴	۰/۰۰۰	+
۴			افزایش ظرفیت‌های مادی (نظامی و اقتصادی) از سوی ج.ا.ایران جهت پیشبرد سیاست‌های دفاعی منطقه‌ای	۴/۱۱۹۴	۱۷/۱۱	۰/۰۰۰	+
۵		پایبندی به اصول	تلاش برای دستیابی به اهداف ترسیم‌شده دفاعی و امنیتی در اسناد بالادستی به ویژه سند چشم‌انداز ۱۴۰۴	۴/۲۳۳۵	۱۸/۱۵	۰/۰۰۰	+
۶			اولویت‌دهی به کرامت و عزت به عنوان اصول اساسی سیاست دفاعی و امنیتی ج.ا.ایران	۴/۳۳۲۰	۱۹/۲۱	۰/۰۰۰	+
۷		پاسخ به موقع به تهدیدات	شناسایی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های جنگ‌ها و تهدیدات نوین در منطقه و اتخاذ راهبرد متناسب جهت مقابله با آن‌ها	۴/۲۱۵۴	۱۶/۵۹	۰/۰۰۰	+
۸		سیاست‌گذاری مناسب	اتخاذ سیاست هوشمندانه از سوی ج.ا.ایران با هدف خنثی‌سازی نقشه‌های دشمن مبنی بر ایجاد فاصله میان ایران و بازیگران منطقه‌ای	۴/۳۸۸۱	۱۷/۲۱	۰/۰۰۰	+
۹			تغییر جهت از رویکردهای سنتی تهدیدمحور به سوی رویکردهای نوین قابلیت‌محور در حوزه دفاعی و امنیتی؛	۴/۲۰۹۰	۱۷/۱۹	۰/۰۰۰	+
۱۰			تاووم الگوی مقاومت در حوزه دفاعی و امنیتی از سوی ج.ا.ایران تا زمان تشکیل دولت مستقل فلسطینی؛	۴/۱۳۴۳	۱۹/۶۳	۰/۰۰۰	+
۱۱			تلاش ج.ا.ایران برای حفظ نقشه جغرافیایی منطقه به‌رغم موزاییکی بودن مرزهای سرزمینی بسیاری از دولت‌ها؛	۴/۱۱۹۴	۱۷/۵۹	۰/۰۰۰	+
۱۲			ارائه پیشنهادها و اجرای از سوی ج.ا.ایران برای ایجاد ساختارها و ترتیبات دفاعی و امنیتی در چارچوب منافع مشترک منطقه‌ای؛	۴/۳۴۳۳	۱۸/۶۳	۰/۰۰۰	+

ردیف	متغیر	مؤلفه	گویه	میانگین	t	معنی داری	وضعیت
۱۳	اقدام عملی همکاری جویانه		افزایش کنش‌گری ج.ا.ایران در حوزه دیپلماسی دفاعی منطقه‌ای؛	۴/۳۴۳۳	۱۷/۱۹	۰/۰۰۰	+
۱۴			افزایش همکاری‌های دفاعی- امنیتی دویاچندجانبه میان بازیگران منطقه‌ای؛	۴/۱۶۵۲	۱۸/۶۵	۰/۰۰۰	+
۱۵			افزایش میانجیگری ج.ا.ایران برای پیشگیری و یا حل و فصل مناقشه‌های نظامی منطقه‌ای؛	۴/۱۳۴۳	۱۹/۴۲	۰/۰۰۰	+
۱۶			ورود و نقش آفرینی ج.ا.ایران در ائتلاف‌ها و ترتیبات دفاعی منطقه‌ای با حفظ ملاحظه‌ها و منافع ملی؛	۴/۱۸۲۵	۱۸/۶۷	۰/۰۰۰	+
۱۷			مصاحبه و ورود ج.ا.ایران به گفتگوهای معنادار با رقبای منطقه‌ای در حوزه‌های کلان دفاعی و امنیتی؛	۴/۲۶۱۷	۱۸/۳۵	۰/۰۰۰	+
۱۸	تغییر ذهنیت بازیگران منطقه به سمت بومی‌سازی امنیت		بازتعریف کشورهای منطقه از منافع و اهداف دفاعی- امنیتی خود در راستای بومی‌سازی امنیت منطقه‌ای؛	۴،۲۳۸۸	۱۷/۴۲	۰/۰۰۰	+
۱۹			شکل‌گیری تصویری صلح‌محور از ج.ا.ایران نزد بازیگران منطقه‌ای؛	۴/۲۸۳۶	۱۸/۲۶	۰/۰۰۰	+
۲۰			تلاش ج.ا.ایران در اقیانوس‌سازی بازیگران در مورد اهمیت شکل‌گیری ترتیبات نوین دفاعی منطقه‌ای؛	۴/۳۲۸۴	۱۹/۳۲	۰/۰۰۰	+
۲۱			تشویق بازیگران منطقه‌ای از سوی ج.ا.ایران به عدم‌ورود به رقابت‌های تسلیحاتی بی‌هدف با یکدیگر با تغییر نگرش آن‌ها نسبت به معمای امنیت منطقه‌ای؛	۴/۱۵۷۶	۱۷/۶۲	۰/۰۰۰	+
۲۲			اعطای نقش‌های دفاعی و امنیتی به بازیگران کوچک منطقه‌ای از سوی ج.ا.ایران؛	۴/۲۳۳۹	۱۷/۲۶	۰/۰۰۰	+
۲۳	اعطای نقش به بازیگران منطقه		پذیرش قواعد بازی و نقش سایر بازیگران درحوزه دفاعی و امنیتی به عنوان نیازمندی متقابل برای ج.ا.ایران و دیگر بازیگران؛	۴/۲۵۶۱	۱۶/۹۸	۰/۰۰۰	+
۲۴			تلاش برای تضعیف و یا حذف پیوندها و تعاملات منطقه‌ای رژیم صهیونیستی با بازیگران منطقه‌ای در حوزه دفاعی و امنیتی؛	۴/۰۸۹۶	۱۸/۱۵	۰/۰۰۰	+
۲۵	حذف بازیگران مداخله‌گر		شکل‌گیری موج آمریکاستیزی در منطقه بعد از اقدام تروریستی آمریکا در شهادت سردار سلیمانی؛	۴/۱۳۴۳	۱۷/۶۳	۰/۰۰۰	+
۲۶			یارگیری و ائتلاف‌سازی ج.ا.ایران در حوزه دفاعی و امنیتی با بازیگران دارای منافع هم‌پوشان؛	۴/۳۱۳۴	۱۸/۱۴	۰/۰۰۰	+
۲۷	فراملی منطقه‌ای		ایجاد وابستگی متقابل امنیتی و دفاعی میان بازیگران منطقه‌ای و ج.ا.ایران از طریق بازتعریف منافع و	۴/۲۵۹۶	۱۷/۶۵	۰/۰۰۰	+

ردیف	متغیر	مؤلفه	گویه	میانگین	t	معنی داری	وضعیت
			دغدغه‌های امنیتی آن‌ها؛				
۲۸			شکل‌گیری جامعه امنیتی فراملی تهران- بغداد- دمشق تا لبنان باهدف خارج شدن دیگر بازیگران از پوسته تنگ امنیتی خود؛	۴/۱۸۵۶	۱۷/۱۸	۰/۰۰۰	+
۲۹	بین‌المللی	شکست سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا	ناتوانی آمریکا در حل معضلات دفاعی و امنیتی در منطقه و توجه صرف آن‌ها به منافع اقتصادی حاصل از فروش تسلیحات به کشورهای منطقه؛	۴/۱۳۴۳	۱۷/۶۳	۰/۰۰۰	+
۳۰			عدم کارایی مکانیسم‌های بین‌المللی قابل اجرا و قوی در مدیریت بحران‌ها و منازعات منطقه‌ای؛	۴/۶۲۳۱	۱۷/۵۲	۰/۰۰۰	+
۳۱			عدم‌دستیابی آمریکایی‌ها به اهداف ترسیم شده خود و زمینگیر شدن این کشور در افغانستان و عراق؛	۴/۳۲۵۹	۱۷/۶۷	۰/۰۰۰	+
۳۲			عدم مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای	کم رنگ شدن حضور روسیه در منطقه بعد از شکل‌گیری ثبات در سوریه	۴/۱۷۶۹	۱۷/۵۲	۰/۰۰۰
۳۳			خروج کامل نیروهای فرامنطقه‌ای و عدم مداخله آن‌ها در ترتیبات دفاعی- امنیتی منطقه‌ای	۴/۴۳۱۵	۱۹/۲۱	۰/۰۰۰	+
۳۴		افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ در مناطق دیگر	کاهش اهمیت غرب آسیا (تقل‌زدایی) در سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا و انتقال تمرکز راهبردی آن به جنوب شرق آسیا (تقل‌گرایی)؛	۴/۲۵۳۷	۱۷/۶۲	۰/۰۰۰	+
۳۵			برهم خوردن مناسبات و الگوهای جهانی میان قدرت‌های بزرگ (چین و آمریکا) در جهان پساکرونا؛	۴/۶۵۷۲	۱۸/۱۴	۰/۰۰۰	+

با توجه به خروجی جدول فوق (جدول شماره ۴) از آنجائیکه میانگین تمامی عوامل بزرگتر از ۳ (عدد متوسط)، سطح معنی‌داری کوچکتر از ۰/۰۵ و برابر ۰/۰۰۰/۰ و آماره t بزرگتر از ۱/۹۶+ می‌باشد، بنابراین می‌توان بیان نمود که تمامی عوامل سی‌وپنچ‌گانه به‌عنوان عوامل موثر در دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب در غرب آسیا در حوزه دفاعی- امنیتی می‌باشند.

نحوه محاسبه اولویت‌ها توسط روش FTOPSIS در این پژوهش

به‌منظور استفاده از این روش، بعد از مشخص شدن عوامل موثر دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب در حوزه دفاعی- امنیتی، یک ماتریس تصمیم‌گیری با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه «۲» تشکیل شد، در این ماتریس، گزینه‌های مورد بررسی، عوامل شناسایی شده در مرحله قبل (فارغ از اینکه در کدام گروه قرار دارند) بوده و معیارهای ارزیابی در آن، نقطه نظرات خبرگان و کارشناسان یا به‌عبارتی قضاوت تصمیم‌گیران می‌باشند که گزینه‌های مربوطه را سنجش نموده‌اند (آذر، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

بدین ترتیب ماتریسی با ۲۰ ستون تشکیل شد که هر ستون آن نشان‌دهنده امتیازاتی است که یک فرد به گزینه‌های مختلف اختصاص داده است. لازم به ذکر است از آنجائیکه تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری نیازمند استفاده از عبارات کلامی و اعداد فازی متناظر با آن برای رتبه‌بندی گزینه‌هاست، جهت تشکیل ماتریس مذکور، عوامل مهم شناسایی شده در مرحله قبلی، با توجه به این طیف، مورد بررسی قرار گرفته‌اند که شرح آن در جدول شماره ۵ مشخص شده است.

جدول شماره (۵): عبارات کلامی و اعداد فازی متناظر با آن برای رتبه‌بندی گزینه‌ها

عبارت کلامی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
اختصار	خ ک	ک	م	ز	خ ز
عدد فازی متناظر	۰,۰,۰/۲	۰/۱, ۰/۳, ۰/۵	۰/۳, ۰/۵, ۰/۷	۰/۶, ۰/۸, ۰/۱	۰/۸, ۱, ۱

ذکر این نکته ضروری است که با توجه به اینکه شاخص‌های ماتریس تصمیم‌گیری، نقطه نظرات خبرگان و کارشناسان است و از آنجائیکه هرچه گزینه مورد بررسی امتیاز بیشتری در شاخص‌های موردنظر کسب نماید نشان ارزش بیشتر آن گزینه در آن شاخص است، بنابراین نوع مطلوبیت شاخص‌ها، افزایشی تلقی شده و اهمیت نظرات همه اعضای جامعه آماری یکسان در نظر گرفته شده است، لذا نیازی به محاسبه ماتریس بی‌مقیاس وزین شده نیست و ماتریس بی‌مقیاس شده ملاک عمل قرار گرفته است.

بعد از تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری، مراحل روش FTOPSIS با استفاده از نرم‌افزار خاص این روش طی شد و اولویت‌بندی عوامل موردنظر، صورت پذیرفت.

جدول شماره (۶): ماتریس تصمیم‌گیری روش FTOPSIS در پژوهش حاضر

معیارهای عوامل مؤثر دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب (غرب آسیا) در حوزه دفاعی - امنیتی	فرد ۱	فرد ۲	فرد ۳	فرد ۴	فرد ۵
درون‌زا کردن قدرت دفاعی و امنیتی و استحکام‌بخشی و تثبیت آن از سوی ج.ا.ایران					
اولویت‌دهی به عامل خودبنیادبودن قدرت دفاعی و امنیتی ج.ا.ایران و عدم اتکای آن به قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی					
.					
.					
.					
برهم خوردن مناسبات و الگوهای جهانی میان قدرت‌های بزرگ (چین و آمریکا) در جهان پساکرونا؛					

با توجه به خروجی جدول شماره (۶)، اولویت‌بندی عوامل به شرح جدول شماره (۷) می‌باشد.

جدول ۷. اولویت‌بندی عوامل مؤثر (گویه‌ها) در دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب (غرب آسیا) در حوزه دفاعی - امنیتی

ردیف	شرح عامل	اولویت
۱	درون‌زا کردن قدرت دفاعی و امنیتی و استحکام‌بخشی و تثبیت آن از سوی ج.ا.ایران	۱
۲	اولویت‌دهی به عامل خودبنیادبودن قدرت دفاعی و امنیتی ج.ا.ایران و عدم اتکای آن به قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی	۶
۳	استفاده ج.ا.ایران از مؤلفه ژئواکونومیک و اقتصادی به عنوان نقطه عزیمت برای نیل به همکاری در حوزه‌های دفاعی و امنیتی	۲۱
۴	افزایش ظرفیت‌های مادی (نظامی و اقتصادی) از سوی ج.ا.ایران جهت پیشبرد سیاست‌های دفاعی منطقه‌ای	۱۴
۵	تلاش برای دستیابی به اهداف ترسیم‌شده دفاعی و امنیتی در اسناد بالادستی به ویژه سند چشم‌انداز ۱۴۰۴	۲۳
۶	اولویت‌دهی به کرامت و عزت به عنوان اصول اساسی سیاست دفاعی و امنیتی ج.ا.ایران	۱۳
۷	شناسایی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های جنگ‌ها و تهدیدات نوین در منطقه و اتخاذ راهبرد متناسب جهت مقابله با آنها	۲۶
۸	اتخاذ سیاست هوشمندانه از سوی ج.ا.ایران با هدف خنثی‌سازی نقشه‌های دشمن مبنی بر ایجاد فاصله میان ایران و بازیگران منطقه‌ای	۹
۹	تغییر جهت از رویکردهای سنتی تهدیدمحور به سوی رویکردهای نوین قابلیت‌محور در حوزه دفاعی و امنیتی؛	۲۸
۱۰	تداوم الگوی مقاومت در حوزه دفاعی و امنیتی از سوی ج.ا.ایران تا زمان تشکیل دولت مستقل فلسطینی؛	۸
۱۱	تلاش ج.ا.ایران برای حفظ نقشه جغرافیایی منطقه به‌رغم موزاییکی‌بودن مرزهای سرزمینی بسیاری از دولت‌ها؛	۳۲
۱۲	ارائه پیشنهادهاى اجرایی از سوی ج.ا.ایران برای ایجاد ساختارها و ترتیبات دفاعی و امنیتی در چارچوب منافع مشترک منطقه‌ای؛	۳۱
۱۳	افزایش کنش‌گری ج.ا.ایران در حوزه دیپلماسی دفاعی منطقه‌ای؛	۱۰
۱۴	افزایش همکاری‌های دفاعی - امنیتی دویاچندجانبه میان بازیگران منطقه‌ای؛	۱۱
۱۵	افزایش میانجیگری ج.ا.ایران برای پیشگیری و یا حل و فصل مناقشه‌های نظامی منطقه‌ای؛	۱۹
۱۶	ورود و نقش‌آفرینی ج.ا.ایران در ائتلاف‌ها و ترتیبات دفاعی منطقه‌ای با حفظ ملاحظه‌ها و منافع ملی؛	۱۷
۱۷	مصالحه و ورود ج.ا.ایران به گفتگوهای معنادار با رقبای منطقه‌ای در حوزه‌های کلان دفاعی و امنیتی؛	۱۶
۱۸	بازتعریف کشورهای منطقه از منافع و اهداف دفاعی - امنیتی خود در راستای بومی‌سازی امنیت منطقه‌ای؛	۱۲
۱۹	شکل‌گیری تصویری صلح‌محور از ج.ا.ایران نزد بازیگران منطقه‌ای؛	۳۰
۲۰	تلاش ج.ا.ایران در اقیانوس‌سازی بازیگران در مورد اهمیت شکل‌گیری ترتیبات نوین دفاعی منطقه‌ای؛	۲۹
۲۱	تشویق بازیگران منطقه‌ای از سوی ج.ا.ایران به عدم‌ورود به رقابت‌های تسلیحاتی بی‌هدف با یکدیگر با تغییر نگرش آنها نسبت به معمای امنیت منطقه‌ای؛	۱۵
۲۲	اعطای نقش‌های دفاعی و امنیتی به بازیگران کوچک منطقه‌ای از سوی ج.ا.ایران؛	۲۰
۲۳	پذیرش قواعد بازی و نقش سایر بازیگران درحوزه دفاعی و امنیتی به عنوان نیازمندی متقابل برای ج.ا.ایران و دیگر بازیگران؛	۲۲
۲۴	تلاش برای تضعیف و یا حذف پیوندها و تعاملات منطقه‌ای رژیم صهیونیستی با بازیگران منطقه‌ای در حوزه دفاعی و امنیتی؛	۲
۲۵	شکل‌گیری موج آمریکاستیزی در منطقه بعد از اقدام تروریستی آمریکا در شهادت سردار سلیمانی؛	۵
۲۶	بارگیری و ائتلاف‌سازی ج.ا.ایران در حوزه دفاعی و امنیتی با بازیگران دارای منافع هم‌پوشان؛	۲۵

ردیف	شرح عامل	اولویت
۲۷	ایجاد وابستگی متقابل امنیتی و دفاعی میان بازیگران منطقه‌ای و ج.ا.ایران از طریق بازتعریف منافع و دغدغه‌های امنیتی آن‌ها؛	۲۴
۲۸	شکل‌گیری جامعه امنیتی فراملی تهران- بغداد- دمشق تا لبنان باهدف خارج شدن دیگر بازیگران از پوسته تنگ امنیتی خود؛	۲۷
۲۹	ناتوانی آمریکا در حل معضلات دفاعی و امنیتی در منطقه و توجه صرف آن‌ها به منافع اقتصادی حاصل از فروش تسلیحات به کشورهای منطقه؛	۳
۳۰	عدم کارایی مکانیسم‌های بین‌المللی قابل اجرا و قوی در مدیریت بحران‌ها و منازعات منطقه‌ای؛	۷
۳۱	عدم دستیابی آمریکایی‌ها به اهداف ترسیم شده خود و زمینگیر شدن این کشور در افغانستان و عراق؛	۴
۳۲	کم رنگ شدن حضور روسیه در منطقه بعد از شکل‌گیری ثبات در سوریه	۳۵
۳۳	خروج کامل نیروهای فرامنطقه‌ای و عدم مداخله آن‌ها در ترتیبات دفاعی- امنیتی منطقه‌ای	۱۸
۳۴	کاهش اهمیت غرب آسیا (تقل زدایی) در سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا و انتقال تمرکز راهبردی آن به جنوب شرق آسیا (تقل گرایشی)؛	۳۳
۳۵	برهم خوردن مناسبات و الگوهای جهانی میان قدرت‌های بزرگ (چین و آمریکا) در جهان پساکرونا؛	۳۴

همچنین در گام بعدی و بر مبنای اولویت‌بندی عوامل، مولفه‌های اثرگذار بر دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب (غرب آسیا) در حوزه دفاعی- امنیتی به شرح جدول شماره (۸) می‌باشد:

جدول شماره (۸): اولویت‌بندی مولفه‌های مؤثر دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب (غرب آسیا) در حوزه دفاعی- امنیتی

ردیف	متغیر	مؤلفه	اولویت
۱	داخلی (ملی)	خوداتکایی دفاعی	۱
۲		توانمندی داخلی	۸
۳		پایبندی به اصول	۱۰
۴		پاسخ به‌موقع به تهدیدات	۱۲
۵		سیاستگذاری مناسب	۴
۶	منطقه‌ای	اقدام عملی همکاری‌جویانه	۷
۷		تغییر ذهنیت بازیگران منطقه به سمت بومی‌سازی امنیت	۵
۸		اعطای نقش به بازیگران منطقه	۹
۹		حذف بازیگران مداخله‌گر	۲
۱۰		ایجاد روابط فراملی منطقه‌ای	۱۱
۱۱	بین‌المللی	شکست سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا	۳
۱۲		عدم مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای	۶
۱۳		افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ در مناطق دیگر	۱۳

بر مبنای مولفه‌های اثرگذار بر دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب (غرب آسیا) در حوزه دفاعی - امنیتی و میانگین نمرات به دست آمده، متغیرها یا همان سطوح سه‌گانه نیز اولویت‌بندی شد که نتایج به شرح جدول شماره (۹) می‌باشد:

جدول ۹. اولویت‌بندی متغیرهای موثر در دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب (غرب آسیا) در حوزه دفاعی - امنیتی

اولویت	متغیر	ردیف
۲	داخلی (ملی)	۱
۱	منطقه‌ای	۲
۳	بین‌المللی	۳

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت کنشگری فعالانه ج.ا.ایران در محیط امنیتی پیچیده غرب آسیا، شکل‌گیری نظمی مطلوب که بتواند منافع و امنیت ملی ج.ا.ایران را تأمین کند از ضروری‌ترین اقداماتی است که حوزه دیپلماسی سیاسی و دفاعی بایستی در نظر بگیرد. اما ایجاد چنین نظمی از عوامل مختلف و متعددی نشئت می‌گیرد که در این مقاله تلاش کردیم ضمن شناسایی عوامل و مولفه‌های گوناگون اثرگذار در دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب (غرب آسیا) در حوزه دفاعی - امنیتی اولویت‌بندی این عوامل، مولفه‌ها و متغیرها را مورد توجه قرار دهیم. در همین راستا بعد از تشکیل جلسات خبرگی ۳۵ عامل (گویه) مورد شناسایی قرار گرفت که بعد از توزیع پرسشنامه در میان ۴۲ نفر میزان اثرگذاری آن‌ها در دستیابی به نظم مطلوب مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد که عوامل از سطح معناداری (sig) ۹۵٪ و پایایی معادل ۰/۹۴۲ (روش آلفای کرونباخ) برخوردار هستند. بعد از شناسایی عوامل اثرگذار، گام بعدی اولویت‌بندی آن‌ها بود که در سه مرحله در اختیار ۲۰ نفر قرار گرفت. در این مرحله از روش تاپسیس فازی بهره گرفته شد که نتایج نشان داد سه گویه: (۱) درون‌زا کردن قدرت دفاعی و امنیتی و استحکام بخشی و تثبیت آن از سوی ج.ا.ایران، (۲) تلاش برای تضعیف و یا حذف پیوندها و تعاملات منطقه‌ای رژیم صهیونیستی با بازیگران منطقه‌ای در حوزه دفاعی و امنیتی و (۳) ناتوانی آمریکا در حل معضلات دفاعی و امنیتی در منطقه؛ سه مولفه: (۱) خوداتکایی داخلی، (۲) حذف بازیگران مداخله‌گر و (۳) شکست سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا و سه متغیر: (۱) منطقه‌ای، (۲) داخلی و (۳) بین‌المللی به ترتیب از اهمیت و بنابراین از اولویت بیشتری برخوردار می‌باشد.

ب. پیشنهاد

باتوجه به نتایج به‌دست آمده پیشنهادهای زیر جهت اقدام ارائه می‌شود:

(۱) گسترش تعاملات دفاعی و امنیتی نیروهای مسلح کشور در حوزه دیپلماسی دفاعی با کشورهای رقیب منطقه‌ای؛

(۲) افزایش اتکای بخش‌های دفاعی کشور به توان داخلی به عنوان اصل بازدارنده در برابر رقبا و مبنایی محکم برای حرکت به سمت شکل‌دادن به نظمی مطلوب در منطقه؛

(۳) نهادینه‌سازی آمریکاستیزی در میان مردم از سوی نهادهای انقلابی و دفاعی به عنوان اصل لایتغیر سیاست دفاعی و امنیتی کشور جهت حرکت به سمت شکل‌گیری نظمی مطلوب در منطقه؛

(۴) افزایش فعالیت‌های اقله‌ای بخش‌های دفاعی و امنیتی کشور در میان برخی بازیگران منطقه مبنی بر آگاه‌سازی آن‌ها از مخاطرات و مضرات سیاست‌های فعلی این کشورها در حمایت از آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه.

فهرست منابع

الف - فارسی

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۷) عربستان سعودی و نظم منطقه‌ای: از هژمونی‌گرایی تا موازنه‌سازی، *جستارهای سیاسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، شماره سوم، صص: ۵۲-۲۷.
- اسماعیلی، امیرمحمد، جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۳۹۹)، بازخوانی مؤلفه‌های نظم نوین در حال شکل‌گیری در منطقه غرب آسیا در پرتو بیداری اسلامی، *دوفصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی*، سال نهم، شماره هجدهم، صص: ۲۱۸-۱۸۹.
- بلامی، الکس. جی (۱۳۸۶) *جوامع امن و همسایگان*، ترجمه محمود یزدان‌فام و پریسا کریمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲)، جمهوری اسلامی ایران و نظام بین‌الملل دستخوش دگرگونی، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال اول، شماره دوم، صص: ۸۰-۵۷.
- دهشیری، محمدرضا، حسین، شاه‌مرادی (۱۳۹۹) عوامل تعیین‌کننده در نظم امنیتی غرب آسیا براساس نظریه موازنه همه‌جانبه، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص: ۱۰۸-۷۵.
- روحی، مجید (۱۳۹۵)، *تراژدی منطقه‌گرایی در خاورمیانه*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۲)، ماهیت و روش‌شناسی تدوین راهبرد دفاع ملی، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال اول، شماره اول، صص: ۵۰-۳۱.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۴)، کاربست الگوهای امنیتی در سیاست منطقه‌ای ج.ا.ایران، *نمای راهبردی مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی (گروه دکترین و راهبردها)*، سال سیزدهم، شماره ۱۶، صص: ۱-۱۸.
- قاسمی، صفت‌الله (۱۳۹۶)، نظم مطلوب ج.ا.ایران در غرب آسیا، *نمای راهبردی مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی (پژوهشکده دکترین، معماری دانا و ترازبایی قدرت)*، سال پانزدهم، شماره ۱۱، صص: ۱-۱۷.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، رهیافتی نظری بر دیپلماسی منطقه‌ای: واحدهای تجدیدنظرطلب در گذار چرخه سیستمی قدرت، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، شماره چهارم، صص: ۳۴-۷.

- قدسی، امیر (۱۳۹۷) نظام ژئوپلیتیکی غرب آسیا و نظم مطلوب منطقه‌ای ایران، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، سال شانزدهم، شماره ۷۲، صص: ۲۲۷-۲۰۳.
- کریمی‌پور، یدالله، ربیعی، حسین و یعقوبی، سیدمحمد (۱۳۹۸)، بررسی زمینه‌های همگرایی و واگرایی ایران و عربستان در چارچوب جغرافیای صلح، *فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال یازدهم، شماره چهارم، پاییز، صص: ۳۲۴-۳۰۷.
- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۹۳) *الگوی امنیتی مطلوب در خلیج فارس، امنیت رقابتی یا مشارکتی*، تهران: اسرار دانش به سفارش معاونت دانش و پژوهش نیروی دریایی سپاه پاسداران.
- نقدی، جعفر (۱۳۹۷) *الگوی مرجعیت قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران*، نمای راهبردی مرکز تحقیقات راهبردی (پژوهشکده دکترین، معماری دانا و ترازبایی قدرت)، سال شانزدهم، شماره ۱۸، صص: ۱۵-۱.

ب- انگلیسی

- Buzan, Barry, (2003), *Regional Security Complex Theory in the Post-Cold War World*, UK: Palgrave Macmillan.
- Derrick Frazier & Robert Stewart-Ingersoll, (2010), Regional powers and security: A framework for understanding order within regional security complexes, *European Journal of International Relations*, 16(4), pp: 731-753.
- Garzon, Jorge F., (2014), Hierarchical regional orders: An analytical framework, *journal of policy modeling* 36s, Pereira German Institute for Global and Area Studies.